

مقدمه:

اگر بخواهیم گذشته‌ی عشایر ایران را مورد مطالعه قرار دهیم بدون شک باید مطالعه را از منطقه‌ی فارس آغاز کنیم. زیرا این منطقه از آغاز دوران اسلامی و حتی قبل از آن عشایر نشین بوده است و ایلات و عشایر در آن زندگی می‌کردند. ما این نوشته‌ها را از کلمه‌هایی شروع می‌کنیم که ممکن است برای شما ناآشنا باشد.

زوم کردن

منشأ این کلمه از اینجا گرفته شده است که در گذشته عشایر ایران برای بهره‌وری بهتر از مراتع سردسیر و گرمسیر دو تا ده سیاه چادر را در جایگاه مشخصی کنار هم بر پا می‌داشتند که در مناطق کردنشین به جمع این سیاه چادرها که واحد مستقلی را تشکیل می‌دهند زومه گفته می‌شود و عشایر کرد هنوز این واژه را به کار می‌برند.

در سالهای کم باران و خشک تعداد خانوارهای هر زومه به حداقل و در سالهای پر باران به حداکثر می‌رسد ولی معمولاً تعداد سیاه چادرهای در هر زومه از ده تجاوز نمی‌کند. معمولاً خانوارهای هر زومه با هم خویشاوند هستند و سرپرستی هر زومه به دست یک نفر به نام سرزومه است که زیر نظر سرپرستان رده بالاتر خود انجام وظیفه می‌کند.

زومه آخرین تقسیمات در رده بندی کردهای جلالی است که به طور متوسط در هر زومه ۹ خانوار زندگی می‌کنند و هر خانوار دارای حدود ۱۳۵ رأس دام است.

کردان فارس

کردان فارس نامی است که جغرافیدانان قدیم (سده‌های پیشین) به عشایر فارس داده اند و منشأ این نام این است که در سال شانزدهم هجری قمری وقتی عربها جلگه های جنوبی عراق کنونی را تخسیر کردند و باز هم پیشروی کردند، هنگام عبور به سمت شرق ایران کردهای کوچنده را در سیاه چادرهایی می دیدند و وقتی به فارس رسیدند دیدند عشایر این منطقه نیز در سیاه چادرهایی این چنین زندگی می کنند. به همین علت آنان را کردان فارس نامیدند و هر که در این سیاه چادرها زندگی می کرد کرد خواندند.

ایلات فارس

مساحت منطقه‌ی فارس (استان فارس به علاوه قسمت هایی از استان های اطراف که در قدیم کلا منطقه فارس نامیده می شد) حدود صد هزار مایل مربع (حدود ۲۵۶ هزار کیلومتر مربع) تعیین شده است که در دو سوم این منطقه بیش از چهل طایفه زندگی می کنند و این طوایف در تابستان به سمت شمال و در زمستان به سوی جنوب حرکت می کند و این عبورها برای روستائیان منطقه مناطق تجاری زیادی دارد ولی باعث خسارات نیز می شود و هر دفعه عبور کوچ نشینان باعث ویرانی کشتزارهای کنار جاده می شود و از این جهت معمولاً در کنار جاده ها زمین های بایر و مزارع متروک دیده می شود.

ایلات فارس به دو گروه آبادی نشین و کوچنده تقسیم می شوند که البته گروه اول یعنی آبادی نشین ها در ابتدا کوچنده بوده اند و چون سود و نفع آبادی نشینی و یکجانشینی را بیشتر از کوچ می دیدند روستا نشین شدند که اکثر آنها یا دهقان و یا کاسبند.

عشایر استان فارس دارای گروه هایی هستند که دو گروه آنها قشقای ها و ایلات خمسه هستند. قبایل دیگر اهمیت کمتری دارند که از بین آنها می توان لرهای کهگلویه و ممسنی ها را نام برد.

توجه: نامهایی که برای منطقه‌ی ناحیه‌ی زندگی طوایف و عشایر به کار برده می شود نامهای قدیمی هستند و ممکن است اکنون به کار برده نشوند.

قشقای ها

این ایل که از مهمترین گروه های کوچنده منطقه فارس محسوب می شود، مشتمل بر دوازده طایفه است. بعضی از صاحب نظران، قشقای ها را از مغول هایی می دانند که در زمان سلطنت چنگیزخان از ترکستان مهاجرت کرده اند و در زمان نادرشاه در فارس سکنی گزیده اند. بدون هیچ ادعایی و به احتمال قوی قشقای ها دنباله قبیله ای قدیمی در ترکیه آسیایی (شرق ترکیه) به نام قبیله خلج هستند که بخشی از این ایل بزرگ به قسمت های مختلف تقسیم و در منطقه فارس پخش شده اند. به همین جهت نام «قشقای» که در زبان ترکی به معنای «فراری، فرار کرده» است به آنها اطلاق شده است.

بر این اساس و به قولی تیره ای از ایل قشقای در شمال منطقه فارس مستقر و در بلوک قونقری آبادی نشین شده است. این تیره هنوز نام قدیمی «خلج» را دارد و افراد آن گویش ترکی خود را نیز حفظ کرده اند. در یکی از تقسیمات تیره کوچنده دیگری که خود به چند شاخه تقسیم شده است نیز «خلج» نامیده می شود.

زندگی کوچنده:

به هر ترتیب، امروزه عمدتاً معیشت ایل بزرگ قشقای با تعداد زیادی طایفه و تیره، از تولیدات دامی تامین می شود و یک زندگی ساده کوچنده دارد. کارهای درون چادر همچون تهیه آب، پخت نان، رسیدگی به چهارپایان، بافتن چادر و قالی

و گلیم بر عهده زنان است. مردها چوپانی می کنند آنها گله ها را در کوهستان به چرا می برند و آنچه را که منزل لازم دارد تهیه می کنند.

صنایع قشقایی، تهیه قالی پشمی و نخی است. محصولات دامی، پشم، کره و پنیر در محل به فروش می رسد.

گله های هر یک از طایفه های قشقایی در مالکیت خود طایفه است. گوسفندان در طول سال از مراتع سرسبز تغذیه می کنند و در سال دوبار بره می آورند.

نژاد قشقایی، قوی و درشت است. مردان قدبلند و عضلانی هستند و تقریباً چهره روشنی دارند. آنها افرادی شجاعند. بیشتر ایل قشقایی خوش باور و مهمان نوازند.

همچنین بسیار متعصبند اگر مردی از قبیله به کربلا نجف و یا هر محل مقدس دیگری برود، دیگر خطا نمی کند. بنابراین آرزو می کنند که همه افراد ایل به انجام فرایض دینی و تشریف به اماکن مقدسه نایل شوند.

سازمان ایل قشقایی دارای ضوابطی به شرح زیر است:

ایل قشقایی به دوازده طایفه تقسیم می شود که تحت رهبری خان بزرگ (ایلخان) قرار دارند. ایل بیگی^۱، که نوعی قائم مقامی است و ایلخان او را انتخاب می نماید، او

را در انجام وظایفش همراهی می کند. اداره هر یک از طایفه ها به شخصی به نام «کلانتر» واگذار می شود، که او را اعضای طایفه ای که به آن تعلق دارد انتخاب می

کنند. به همین دلیل یک کلانتر هرگز قادر نیست همزمان دو طایفه را رهبری کند.

^۱- ایل در زبان عربی و فارسی به معنی «قبیله» است. بیگی همان به زبان ترکی و هم به معنی محافظ است که در زبان فارسی و عربی به بیگی تبدیل شده است.

هر طایفه به گروه هایی به نام «تیره» تقسیم می شوند که هر یک از آنها خانواده هایی که با هم خویشاوندند، تشکیل می گردد. کلانتر هر طایفه وظیفه دارد رئیس هر یک از تیره ها را تعیین نماید. که آن را «ریش سفید» می نامند. ریش سفید شخص محترمی است که به نحوی مشاور کلانتر نیز می باشد. از طرف دیگر کلانتر فردی را به نام کدخدا^۱ انتخاب می نماید. مباشر طایفه که از بین اعضای همان گروه انتخاب می شود مامور و مسئول جمع آوری مالیات است. در مجموع سازمان داخلی ایل و طایفه بر اساس انتخابات است و به صورت خودمختار اداره می شود.

۱- کد به معنی قسمت کوچک است و خدا یعنی رئیس بزرگ.

طوایف ایل قشقایی

۱- طایفه کشکولی: دوازده هزار خانوار این طایفه افرادی قوی و شجاعند. این

طایفه تابستان را در بلوک شش ناحیه، اردکان و کاکان (در ممسنی) و زمستان را

در مناطق دشتی، ماهور میلّاتی، جاره و فیروز آباد سپری می کند.

۲- طایفه دره شولی: این طایفه با داشتن ۸۰۰۰ خانوار، نسبت به طایفه

کشکولی، از اهمیت کمتری برخوردار است. دره شولی ها در تابستان در منطقه

فارس در نواحی سمیرم و اسفدران وارد استان اصفهان می شوند و از آن منطقه تا

حدود قمشه و گندمان را در اختیار می گیرند و در فصل زمستان در حدود کازرون،

ماهور میلّاتی و فامور سکنی می گزینند.

۳- طایفه شش بلوکی: شش بلوکی ها به کشکولی ها بسیار شبیهند. افراد این

طایفه قوی و ثروتمندند، آئین ها و آداب و رسوم آنها کاملاً به هم شباهت دارند،

لیکن اصل برابری اجتماعی در این طایفه بسیار مورد توجه است و به همین دلیل

چادرهای خوانین و روسا تفاوتی با چادرهای ساده رعایا ندارد. طایفه شش بلوکی

حدود ۱۱۰۰۰ خانوار دارد آنها تابستان را در شش ناحیه در مناطق چهاردانگه و

کوشکه زار، و زمستان را در فراشبند، خنجی و افرز می گذارند.

۴- طایفه خلیج: افراد این طایفه حدود ۳۵۰۰ خانوارند. خلیج ها در تابستان به

منطقه ده گردو و پادنا و زمستان به منطقه دشتستان کوچ می کنند.

۵- **طایفه فارسی مدان:** این طایفه از ۴۰۰۰ خانوار تشکیل شده است. خانواده‌های این طایفه تابستان را در کوه های دنا و زمستان را در بلوک خنج می گذرانند.

۶- **طایفه صفی خان:** این طایفه تابستان را در دشت خسروشیرین و چهاردانگه و زمستان را در بلوک افرز ساکنند. ۳۵۰۰ خانوار را تشکیل می دهند.

۷- **طایفه رحیمی:** این طایفه ۴۰۰۰ خانوار دارد که اغلب آنها زارمند. فصل تابستان را در منطقه دزگارد (بلوک شش ناحیه) و زمستان را در بلوک خنج می گذرانند.

۸- **طایفه گله زن:** این طایفه حدود ۳۵۰۰ خانوار دارد. گله زن ها در تابستان به حسن آباد (چهاردانگه) و در زمستان به ماهور میلانی و دشتی می روند.

۹- **طایفه ایگدر:** ۳۰۰۰ خانوار هستند. افراد این طایفه تابستان را در شش ناحیه و زمستان را در فیروزآباد می گذرانند.

۱۰- **طایفه گهوا:** این طایفه تابستان را در منطقه اسپاس و زمستان را در محال اربعه به سر می برد. حدود ۳۰۰۰ خانوار تشکیل می دهد.

۱۱- **طایفه گراشی:** افراد این طایفه زمستان را در بلوک خشت و تابستان را در منطقه دشت ارژن (چهاردانگه) سپری می کنند. این طایفه ۳۵۰۰ خانوارند.

۱۲- **طایفه بیات:** از ۳۸۰۰ خانواده تشکیل شده است که تابستان را در کام فیروز و رامجرد و زمستان را در جره به سر می برند.

۱۳- **طایفه عمله:** این طایفه ۱۵۰۰ خانوار دارد و نوکران ایلیان قشقایی را تامین می کند. نام آن برگرفته از واژه «عمله» به معنی «کارگر» است. طایفه عمله از پرداخت مالیات به ایل معاف است.

ایلات خمسه

ایلات خمسه مشتمل بر پنج ایل اینانلو، بهارلو، عرب، باصری و نفر است. به طور کلی بجز عربها ایلات خمسه از قشقایی ها یکجانشین تر هستند. این پنج ایل در حدود $\frac{1}{3}$ از مشرق و جنوب شرقی سرزمین فارس به سر می برند، و مناطقی که در نزدیکی لارستان، جویم و بیدشهر واقعند، تحت اختیار آنهاست.

ب- پنج ایل خمسه

۱- **ایل اینانلو:** (این ایل نظام یکجانشینی را اختیار کرده است).

این اینانلو، مانند قشقایی، یکی از ایلات مغول ترکمنستان بوده که در زمان حمله مغول ها به فرماندهی چنگیزخان به ایران مهاجرت کرده اند. این ایل ییلاق را در بلوک های رامجرد و مرودشت و قشلاق را در بلوک های داراب و فسا و خفر می گذراند. اینانلو ها بارها در دولت های صفویه، افشاریه، و زندیه حضور داشتند و هزاران سرباز (سواره نظام توپخانه) در اختیار این دولت ها گذاشته اند. ایل اینانلو به طایفه هایی تقسیم شده است و از زمان صفویه تا دوره کریم خان زند، ایلیخانان همیشه از روسای طایفه بولوردی^۱ بوده اند. بعد از آن دوره، ایلیخانان از روسای

^۱ - این واژه از ده ابوالوردی در شیراز گرفته شده است.

طوایف با قدرت سرگلو و بولاغی بوده‌اند. ایل جنگجوی اینانلو که تا سال ۱۲۹۵ هـ.ق / ۱۸۷۷ م از راه چپاول و غارتگری در جاده های اصلی فارس، کرمان و یزد روزگار می گذرانید. در سال ۱۲۹۵ به دستور ناصر الدین شاه به اشد مجازات رسید

و از این تاریخ بود که این ایل برای همیشه در دشت فارس ساکن شد و از کوچ کناره گرفت و کم کم به زندگی یکجانشینی روی آورد.

ایل اینانلو مشتمل بر طایفه ها و تیره هایی است که عبارتند از: ابوالوردی، اسلام لو، افشار اوشاکی، دنیدارلو، رئیس باقلو، زرین قلی، زنگنه، سوروقلو، سککاره، قورت باقلو، قورت، چاقیلو، کورای، کرکبار، محمد بگلو و یغمالو.

۲- ایل بهارلو: (در چادر زندگی می کنند ولی کوچ نمی کنند).

بهارلوها همانند اینانلو ها و قشقایی ها ایرانی نیستند. به زبان ترکی صحبت می کنند و در یک نظر کلی یکی از ایلات ترکند که در زمان زمامداری مغولها و سلجوقی ها از ترکستان مهاجرت کرده اند. در گذشته این ایل زمستان را در دشت یزد خواست و داراب می گذراند و در تابستان به مرودشت، رامجرد و کمین کوچ می کرد. از سده ی پیش این مهاجرتها قطع شده است و ایل تمام سال را در دو طرف رود کر در بخشی از بلوک دارابگرد می گذرانند.

هشت هزار خانوار بهارلو به طوایف زیر تقسیم می شوند:

ابراهیم خانی، احمدلو، اسماعیل خانی، بوروبور، تالکه، جامعه بزرگی، جرقه، جوقه، حاجی تارلو، حاجی عطارلو، حیدرلو، رسول خانی، ساگوز، صفی خانی، عیسی بگلو، کریم لو، کلاه پوستی، مشهدلو، نظر بگلو و واراسه.

۳- ایلات عرب: (تقریباً سرتاسر سواحل جنوب ایران تحت اشغال ایلات عرب می باشد).

این ایلات بدون تردید از نجد (خوزستان)، عمان و یمامه آمده اند. آنها در زمان خلافت بنی امیه و بنی عباس یعنی در زمان اولین سلسله خلفای مسلمان به این منطقه مهاجرت کرده اند. مهاجرت گروه های عرب به ایران احتمالاً نتیجه سیاست اغراق آمیز حکومت عربستان بود که برای جانشینی حضرت محمد (ص) انجام می شد. گروه های مهاجر موجب تداوم فتح فارس به نفع خلیفه الله و ضامن برتری اسلام در زمان حضرت محمد (ص) در جنوب ایران بود. در شرایط عادی آنها کار جمع آوری مالیات رابه عهده داشته و به عنوان نماینده قدرت مطلق حکومت بغداد و جانشین خدا، در دور افتاده ترین روستاهای فارس حضور می یافتند. در این جا لازم به تذکر است که در بین این ایلات عرب زبان، آنهایی که امروزه در منطقه رامهرمز، جراحی، دورق و در یک کلمه در خوزستان ساکنند، مهاجرت های دوره ای ندارند. آنها در تمام سال در یک منطقه به سر می برند. و زبان اصلی و ویژگی های خود را هم حفظ کرده اند. عشایر عرب کوچنده منطقه فارس زمستان را در بلوک اهی محله سبعه و بونده احمدی و تابستان را در بلوک های بوانات قونقوری و سرچاهان می گذرانند. آنها همچنین هنگام کوچ بیش از ششصد کیلومتر راه را از قشلاق به بیلاق طی می کنند. عشایر عرب فارس برخلاف عشایر عرب منطقه خوزستان از سوی همسایگان خود جذب شده اند. آنها خصوصیات اصیل نژادی و

زبانی خود را از دست داده اند و در حال حاضر با گویشی مخلوط از زبان های عربی، ترکی، لری و فارسی صحبت می کنند.

ایلات عرب فارس از دو گروه مجزا یعنی جباره ها و شیبانی ها تشکیل شده اند. آنها از ۱۵۰۰ از خانوار تشکیل شده اند. مردان این قبایل به شجاعت و جسارت شهرت دارند. مسئولیت اداره ایل بیشتر به عهده شیبانی ها است.

طوایف مختلف ایلات عرب به شرح زیرند:

الف - گروه جباره ها: مشتمل بر آن سعدی، ابوالغنی، پیراسلامی، سادات حسینی، شیری، ابوالمحمدی، بوربور، بهلولی، جابری حنایی، قاریزی، اوربزی، بزسرخی، تانی، جهاکی، سغری، قارقانی، کرایبی (در گذشته در ایالت کرمان بوده است). ابوالحسینی، توربور، جلوداری، شاهسون، عیسایی، قنبری، نقدعلی، ابوشرف، درازی، شعبانی و لر.

ب - گروه شیبانی ها: مشتمل بر پاپتی، تقریتی، حساتی، فارسی - شیبانی، کوتی، عبدالیوسفی، والی شاهی، لاوردان، مزیدی، ابوالحسنی، حیاتی، شهسواری، ابوالحاجی، سنوده، صباحی، عزیززی، عمادی، کریچه، ماهاری، آردال، پالنگی، خوشنامی، سقاطی، گله ریشی، الوانی، بنی عبدالهی، قفلابه، هومالی، غلامشاهی، کوتی و والی شاهی کوتی.

۴- ایل باصری: این ایل یکی از ایلات قدیمی است که اصلیت ایرانی دارد. از سه هزار خانوار کشاور تشکیل شده است. معیشت آنها از فراورده های تعداد زیادی گله

تامین می شود. آنها زمستان را در بلوک های سرروستان و کربال و تابستان را در بلوک های همسایه ارسنجان و کمین به سر می برند.

ویسی، توربور، چهاربنیچه، علی میرزایی و شکاری از طوایف ایل باصری اند.

۵- ایل نفر: منشأ این ایل ترک است. اغلب خان یا ایلخان از آن از ایل بهارلو

انتخاب می شود و برعکس گاهی ایل بهارلو رئیس خود را از ایل نفر انتخاب می

کند. از طرفی می توان گفت که بین این دو ایل ویژگی های مشترک بسیاری وجود

دارد. ایل نفر در تابستان در بلوک های آباءه- تشک و در زمستان به بلوک های

دراگرد، جهرم و گاهی لارستان می رود. این ایل از ۳۵۰۰ خانوار تشکیل شده است

و طوایف آن عبارتند از:

بادکی، تاتاملو، چنگوری، دولو خانلو، زمانهالو (ایلخان ایل نفر بیشتر از این طایفه

انتخاب می شود)، ستارلو، سنجرلو، شولی جن، عراقی، قادلو، قباد، خانلو، قره

باجقلو قیدارلو و لر.

کهگیلویه

منطقه کهگیلویه از نظر درختان جنگلی بسیار غنی است. جنگلهای بلوط، شاه بلوط،

بادام وحشی، گلابی و کیلک (نوعی زالک) در منطقه بسیار فراوان است. نام

منطقه را هم از میوه کیلک یعنی کوه کیلویه اقتباس کرده اند.

در علفزارهای منطقه سبزیهای قابل مصرف به طور خودرو می رویند. ساکنان آن از

میوه درختان صدساله بلوط نان مخصوصی را تهیه و مصرف می کنند.

محصولات عمده آن حبوبات، پنبه و برنج است. از جنگلهای منطقه بهبهان بهره برداری زیادی می شود. در این منطقه درختان انگور بعد از یک سال انار بعد از سه سال، مرکبات و بعد از چهار سال خرما بعد از هفت سال به بار می نشیند.

ایلات کهگیلویه

در کهگیلویه گروهی از لرهای زندگی می کنند. گروه دیگری در منطقه ممسنی سکونت دارند. لرهای کهگیلویه به سه گروه آقاجری باوری و جاکلی تقسیم می شوند:

۱- **گروه آقاجری:** این گروه یا ایل با اصلیت ترک، تاجیک و لر امروزه تنها حدود

دو هزار خانوارند که در طوایف زیر پراکنده :

افشار، بیگدلی، بانالکو، جامه بزرگی، جغتایی، داوری، چری، قره باغی، کاشتیلی و لارزبان. گروه آقاجری ها کوچنده نیست. بدین معنی که آنها تمام سال را در حومه بهبهان به سر می برند. آنها زمستان را در سیاه چادر و تابستان را در کلبه هایی (کپر) که خود می سازند و با ساقه غلات می پوشانند، در دوطرف رودخانه کردستان می گذرانند.

۲- **گروه باوی:** این ایل که احتمالاً عرب نژاد است. در دو منطقه باشت و کوه مره

که باوی هم نامیده می شود به سر می برد. ایل باوی با ۱۲۰۰ خانوار زمستان را در زیر سیاه چادر و تابستان را در کپر می گذرانند. طوایف آن عبارتند از: علی شاهی، کاشین، موسایی، برآفتابی، قائلی یا عمله که به زبان لری صیحت می کنند.

۳- گروه جاکي: این گروه مشتمل بر دو طایفه چهار بنیچه و لیراوی به دو تیره لیراوی کوه و لیراوی دشت تقسیم می شوند. تیره لیراوی کوه خود به بهمنی، شیرعلی، طیبی و یوسفی تقسیم یم شود.

طایفه چهاربنیه

تیره بویراحمدی ها: بویراحمدی ها در تل خسروی، رون و بخشی از بلاد شاپور ساکنند. این مناطق که در مجموع کهگیلویه شمالی را تشکیل می دهند. به منطقه بویراحمدی ها معروف است.

بویراحمدی ها در زمستان در بخش بلاد شاپور ساکن هستند. این بخش به

«بویراحمدی گرمسیری» معروف است و تابستان در بخش قدیمی تل خسروی و

رون اقامت می کنند. به همین دلیل همه این منطقه «بویر احمدی سردسیر»

(بیلاق) نامیده می شود. ایل بویراحمدی از تعداد زیادی گروه های خویشاوند

تشکیل شده است که عبارتند از: آقای، اردشیری، اولادمیرزاعلی، باباملکی، بادلونی،

باتولی، برآفتابی، تاس احمدی، تامرادی، جلیل، خلیلی، سرکوهی، شیخ مامو (شیخ

محمود)، عباسی، گودرزی، نگین تاجی و مشهدی.

کلانترهای این تیره همیشه از بین رده اردشیری انتخاب می شوند.

تیره چرام

این تیره چندین قریه از بلاد شاپور و رون در شمال شرقی بهبهان، معروف به «منطقه چرام» را شامل می شود. تیره چرام مشتمل بر هزار خانوار است که به رده های زیر تقسیم می شوند:

بگلار، بناری، پروخوری، تارمونی، حسام بهاء الدینی، دیلگون شیخ گلبار، گشتاسب، کمانکشی و مسیح شاهی. کلانترهای تیره چرام همیشه از گروه بگلار انتخاب می شوند.

تیره دشمن زیاری^۱

این تیره هم در مناطق بلاد شاپور و رون در شمال غربی بهبهان مستقر است.

تیره دشمن زیاری به دو دسته به نام های الیاسی و گشتاسبی تقسیم شده است. گروه الیاسی ها به دیناری، بویری، سلطانی، شیرمحمدی و قلندری و گروه گشتاسبی به باوار، بناری، میراحمدی تقسیم می گردد. تیره دشمن زیاری چهارصد خانوار دارد. کلانترها همیشه از خانواده شیرمحمدی انتخاب می شوند.

تیره نوئی

این تیره قسمتی از مناطق بلادشاپور و رون را که به بخش نوئی معروف است، در اختیار دارد. تیره نوئی از گروه های پاپی، جلاله، دره موردی، دلاوری، زیلویی، زنگنه، شیخ تیرادگان، شیخ هاییل، محمود شاهی و مهوینی تشکیل شده است. کلانترها و روسا از گروه محمد شاهی انتخاب می شوند. این تیره ۱۳۰۰ خانوار دارد.

^۱- دشمن زیاری در ممسنی هم وجود دارد.

طایفه لیراوری

طایفه لیراوی به دو قسمت لیراوری کوه ولیراوی دشت تقسیم شده است. لیراوی

کوه مشتمل بر چهار تیره بهمئی، شیرعلی، طیبی و یوسفی است.

تیره بهمئی

این تیره از گروه های ابوالعباسی، بناری، بیژنی، جلیلی، خلیلی رودتلخی، علاء الدینی، عمله، کلاه کج، کماهی، محمدعیسی و نرمیسا تشکیل شده است. بیشتر روسای تیره ها از گروه ترمیسا انتخاب می شوند. این تیره بیش از سه هزار خانوار است. منطقه بهمئی ها کوهستانی، سرد و بسیار پردرخت است. بهمئی ها در زمستان به منطقه بختاری و در تابستان به حوالی راهمهرمز کوچ می کنند.

تیره شیرعلی

این تیره تا سال ۱۲۵۶ هـ. ق بیش از یک هزار خانوار داشت که از آن پس در سرتاسر خاک خوزستان پراکنده شدند. در سال ۱۲۸۱ هـ. ق معتمدالدوله، حاکم قدیمی کهگیلویه، شیرعلی ها را به این منطقه آورد و در بخش کوچک ابوالفارس مستقر کرد.

تیره طیبی

دو هزار خانوار تیره طیبی به گروه های تاج الدین طیب، تا حیسن شاهی، تاغین علی، تارضایی، تامالی، تامرادی، تاویسی، چارگاهی، خواجه دزکی، سل شهره، اسماعیلی، علی طیب، قنبری، کرائی، گیوه چرمی و ناصر طیب تقسیم شده اند. تیره طیبی زمستان را در بلاد شاپور و تابستان را در رون بسر می برند. بیشتر مزارع آنها به کشت حبوبات، پنبه، برنج، کنجد و غیره اختصاص دارد.

تیره یوسفی

تیره ای قدیمی است که در شمال بهبهان زندگی می کند و فقط هشتاد خانوار دارد.

ایلات و بلوک ممسنی

بلوک وسیع ممسنی در شمال غربی شیراز واقع شده است و آب و هوای آن در شمال سرد و در جنوب گرم می باشد. در شمال، کوهستان ها همیشه پوشیده از برف هستند در حالی که در دشت جنوبی نخلستان ها و باغهای مرکبات به خودی خود پرورش می یابند. این بلوک از شمال و مغرب به بلوک های شش ناحیه و کهگیلویه، از مشرق به بلوک اردکان و از جنوب به بلوک های کازرون و کوه مره شگفت محدود است.

در بخش جنوبی بلوک ممسنی که از چندین جریان آب مشروب می گردد مقدار زیادی حبوبات، پنبه، کنجد و برنج کاشته می شود. زمین آن آنقدر حاصلخیز است که دو بار در سال می توان برنج کاشت. کوههای این منطقه به حالت جنگلی و پوشیده از درختانی نظیر بلوط، کرکيه و بادام می باشند.

در گذشته در شمال این بلوک باغهای بسیار بزرگ انگور و انجیر فراوان به چشم می خورده اند. امروزه این باغ ها از بین رفته اند و کمتر نشانی از آنها باقی مانده است.

ایلات کوچنده ممسنی

به چهار طایفه بکاش، دشمن زیاری، جاویدی و رستم تقسیم می شوند. نام هر یک از این طوایف به محلی که در آن سکونت دارند نیز اطلاق می شود.

۱- منطقه بکاش: منطقه‌ای گرم است که طایفه بکاش با بیش از ۱۲۰۰ خانوار در آن سکونت دارد.

۲- منطقه جاویدی یا جاوی: منطقه‌ای کوهستانی است که بیشتر آب و هوای سرد دارد. طایفه جاویدی با بیش از ۱۰۰۰ خانوار در آنجا زندگی می‌کند.

۳- منطقه دشمن زیاری: منطقه‌ای کوهستانی و سرد است. ۱۵۰۰ خانوار دشمن زیاری در این منطقه سکونت دارند.

۴- منطقه رستم: بخشی از این منطقه کوهستانی و سرد، و بخش دیگر آن گرم است. بخش گرم آن برای تولید مرکبات و خرما بسیار مناسب است. طایفه رستم با ۱۳۰۰ خانوار در آن سکونت دارند:

به چهار منطقه‌ای که در بالا اشاره شد دو بخش فهلیان و کاکان را نیز اضافه کرد. اولی آب و هوایی گرم دارد و بخش دوم (کاکان) آب و هوایی معتدل دارد.

ایلات دیگر ممسنی

سرخ‌ها و کوه مره شگفت

گروه سرخی‌ها چادرنشین هستند ولی کوچ نمی‌کنند. آنها زمستان و تابستان را در بلوک کوه مره شگفت بسر می‌برند.

آب و هوای این منطقه سرد و کوهستانی است. از شمال به حومه شیراز و بلوک فراشبند و منطقه جره و از مغرب به منطقه کازرون مدود می‌شود. زمین‌های کوهستانی و سنگلاخی آن چندان قابل کشت نیست. با این همه چند مزرعه کشت

غلات و برنج دارد. مناطق کوهستانی آن تقریباً پردرخت هستند و درختان انگور وحشی فراوان دارند. صنایع محلی آن منحصر به تولید زغال چوب می باشد. تجارت آن به حمل و نقل این زغالها و کشمش و انجیر خشک محدود است. ایل کوچک سرخی با ۷۰۰ خانوار در بلوکی در نزدیکی طوایف دیگر سکونت دارد.

ایل لاشانی: که بخشی از آن در روستاهای بلوک مرودشت یکجانشین شده است و برخی دیگر آن کوچ می کند، حدود هفتصد خانوار آنان معمولاً در بلوک آباده تشک سکونت دارند.

ایل نوترکی: یکجانشین است (نژاد آنها بختیاری است و از بخش چهارلنگند).

نوترکی ها هنوز با گویش بختیاری صحبت می کنند و از محوصلات دامی خود روزگار خود را می گذرانند.

ایل مسلاری: در بلوک خفر سکنی گزیده اند و گله های بسیار دارند. پنیر مسلاری در فارس مشهور است.

ایل علی شامحمدی: تابستان ها در کوه های تارو بین بلوک های سیمکان و

فیروز آباد و زمستان ها در سیمکان به سر می برند. اقتصادشان مبتنی بر دامداری است.

ایل فرامرزی: در قسمت غربی کوه های جهانگیریه در (لارستان) مسکن گزیده اند.

جشنی ها: طایفه کوچنده ایل خلیج از بلوک قونقری هستند. آنان تابستان را در سرچاهان و زمستان را در جزیره مینگ، واقع در دریاچه بختگان به سر می برند.

چهارراهی ها: از ایل خلجند. تابستان در بلوک قونقری سکونت دارند و زمستان را در جزیره علی یوسف در دریاچه بختگان می گذرانند.

چرخس ها: منشأ ترک دارند. در زمان صفویه از منطقه کوکاس مهاجرت کرده اند و در حال حاضر در منطقه دزگرد (محلّه سبغه) اقامت دارند.

فرهادی ها و قونقری های سیمکان: بر حسب فصل بین دشت و کوه و نیز در بلوک میمند در حرکتند.

کوهکی ها: بین جهرم و بیدشهر به تجارت چوب مشغولند.

گروه های دیگر را نمی توان ایل نامید، زیرا بسیار کم جمعیت می باشند. آنان فقط گروه های خانوادگی ساده عربند. تمیمی ها و مالکی ها در بلوک مالکی به طور کامل در ساحل خلیج فارس زندگی می کنند. بهاء الدینی ها در کوهستان ها و دشتهای سیمکان به سر می برند.

آل ناصر در بلوک سراف اقامت دارند و بندر کوچک کنگان را ساخته اند.

آل حرم ها همیشه در ساحل خلیج فارس، در کنار بندر بیدخون، در بلوک مالکی ساکن اند. آنها بندر عسلویه را ساخته اند. دموخ ها یکجانشین هستند و به بوشهر تعلق دارند.



«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	زموم کردن
۲	کردان فارسی
۳	ایلات فارسی
۵	قشقای ها
۸	طوایف ایل قشقای
۱۰	ایلات خمسه
	پنج ایل خمسه
۱۰	ایل اینانلو
۱۱	ایل بهارلو
۱۲	ایلات عرب
۱۴	ایل باصری
۱۵	ایل نفر
۱۵	کهگلویه
۱۶	ایلات کهگلویه
۱۶	گروه آقاجری
۱۷	گروه باوی
۱۷	گروه جاک
۱۷	طایفه چهارینیچه
۱۹	طایفه لیراوی
۲۱	ایلات و بلوک ممسنی
۲۲	ایلات کوچندهی ممسنی

بسم الله ا - - الرحيم

عشایر استان فارس

دبیر راهنما:

جناب آقای احمدی

گردآورندگان:

مسعود طالبی - علی شوش

منبع: کتاب *Gourenement imperial de la Perse* (دولت امپراطوری

ایران)

مؤلف: ژ - دومورینی، تألیف ۱۹۱۳.

عشایر استان فارس (انتشارات دانشگاه تهران)

مؤلف: دکتر جلال الدین رفیع فر